

یادداشت

لزم اقدام جدی دولت



آلبرت بغازیان
کارشناس اقتصادی

به نظر می‌رسد دولت وارد دوری از افزایش سطح نقدینگی و تورم شده است و مسکن‌های ترقیقی از سوی دولت در ارتباط با افزایش توان خرید مردم در نهایت موجب افزایش تورم خواهد شد و این افزایش جیب مردم را بیش از گذشته خالی خواهد کرد. دولت و مجلس برای افزایش رضایت مردم درصدد افزایش نرخ حقوق و دستمزدها هستند. اقدامی که مناسب به نظر می‌رسد و موجب افزایش رضایت مستخدمین و بازنشتگان خواهد شد اما این افزایش نیازمند بررسی دقیقی است. زیرا همان طور که می‌دانیم رشد نقدینگی در ایران بسیار بالاست و بسیاری همین رشد را علت اصلی گرانی و در نهایت خالی شدن جیب طبقات متوسط و فقر جامعه می‌دانند. افزایش تورم موجب می‌شود مردم عملا فاقد توان خرید در مقایسه با مدت مشابه باشند. در نتیجه دولت برای جبران این کمبود و ایجاد رضایت در جامعه به فکر می‌افتد که حقوق و دستمزدها را بالا ببرد. زیرا همین که افزایش حقوق‌ها عملیاتی شود بازار اقتصادی نیز به همان میزان با رونق روبه‌رو می‌شود که این مورد نیز به نفع اقتصاد و در نهایت به نفع دولت است اما همین که این میزان از افزایش چند ماه تکرار می‌شود، پررشد سطح نقدینگی افزوده شده و موجبات گرانی و در نهایت افزایش تورم را فراهم می‌آورد. در نهایت دولت برای جبران کاهش قدرت خرید مردم مجبور می‌شود که دوباره حقوق و دستمزدها را افزایش دهد و این دور باطل ادامه می‌یابد. از این رو منبع این افزایش نرخ دستمزد نباید از رشد نقدینگی باشد و دولت باید از طریق افزایش نرخ مطالبات‌ها آن هم از طریق حذف معافیت‌های غیر ضروری مالیاتی اقدام به این کار کند. دولت نباید این افزایش را از بانک مرکزی جبران کند و باید درآمد خود را بیفزاید در این معنا که صادرات نفت را افزایش دهد. نه اینکه پول جدید چاپ کند. البته اگر دولت بتواند برجام را به نتیجه رسانده و صادرات نفت را افزایش دهد و نقدینگی را از باب پستوانه ارزی افزایش دهد، آنگاه تورم خاصی با افزایش نرخ دستمزدها در اقتصاد ایجاد نخواهد شد. از این منظر در شرایط فعلی دولت باید در جهت کاهش رشد نقدینگی حرکت کند. در این صورت است که به صورت محسوسی قدرت خرید افراد جامعه افزایش می‌یابد و در طولانی مدت این مورد موجب رشد رضایتمندی مردم می‌شود.

خبر

کوروش احمدی:

تحریم هیچگاه در مورد ظرفیت موضوعیتی نداشته است

یک کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل با بیان اینکه ما ایرانیان باید در این زمانه سخت از خطر هیجانات غافل نیابیم، گفت: هر هیز از افراط حکم می‌کند که میانه‌روها را به بهانه‌های بیجا یا بی‌جا طرد نکنیم. کوروش احمدی در ارتباط با چرایی تحریم محمد جواد ظریف از سوی کانادا اظهار داشت: در شرایطی که شواهد و قرائنی در مورد انگیزه دولت کانادا برای تحریم آقای ظریف در دست نداریم، تنها می‌توانیم حدس‌هایی بزنیم. در بیانیه مطبوعاتی دولت کانادا که در ارتباط با تحریم ۱۷ شخصی و ۳ نهاد در ۱۳ اکتبر منتشر شد، ادعاهایی در مورد نقض حقوق بشر در ایران و ارائه اطلاعات نادرست توسط برخی مقامات در این رابطه مطرح شده است اما مساله این است که آقای ظریف هیچ گاه در مقامی نبوده که نقض حقوق بشر در مورد ایشان معنی و موضوعیت داشته باشد. وی افزود: روزنامه «گلوب اندمیل» که روزنامه سراسری کاناداست در ۱۴ اکتبر به‌طور مشخص در مورد تحریم آقای ظریف مدعی شده است که «گروه‌هایی در کانادا خواستار تحریم ایشان بوده‌اند. اگر اغتباری برای گزارش این روزنامه قائل شویم، آنگاه باید وارد گمانه‌زنی‌هایی در مورد هویت این گروه‌ها بشویم. وی ادامه داد: می‌دانیم که طی حدود سه سال گذشته خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکرائنی در ایران و کانادا پیگیر این قضیه بوده و مشخصا در کانادا یک گروه لابی ایجاد کرده‌اند. احمدی با بیان اینکه برخی از رسانه‌های بین‌المللی از فشار انجمن خانواده‌های جانب‌باختگان هواپیمای اوکرائنی بر دولت کانادا برای اعمال تحریم سخن گفته‌اند، اظهار کرد: مشخصا واقعیت این‌ست که ایرانیان مقیم کانادا با توجه به شمارشان و شمار ایرانی‌شان در ادوار انتخاباتی و نیز حضور برخی از آنها در مجالس فدرال و ایالتی در سیاست کانادا صاحب نفوذ هستند و می‌توانند بر تصمیمات دولت کانادا تأثیری داشته باشد. در قضیه هواپیما، با توجه به وجود اتباع و برخی مقیمان کانادا در بین جانب‌باختگان، افکار عمومی در کانادا نیز تحت تأثیر قرار گرفته بود. البته روشن است که ظرفیت و همکاران ایشان نقشی در قضیه هواپیمای اوکرائنی و سیاست‌گذاری در مورد آن و سیر مناقشات حقوقی مربوطه نداشته‌اند. احمدی در پاسخ به این پرسش که برخی معتقدند که اعمال این تحریم‌ها علیه چهره‌هایی میانه‌رو در ایران در راستای حذف سدهای این گونه چهره‌ها، در مجامع بین‌المللی است، تصریح کرد: اگر ایرانیانی دولت کانادا یا دیگر دولت‌ها را در چنین چشمتی تشویق می‌کنند، قطعا در اشتباه هستند. قطعا عصبانیت نباید مبنای قضاوت قرار گیرد. کارنامه اشخاصی را باید در کلیت آن بررسی و مورد قضاوت قرار داد. بدون شک هر دیکته نوشته شده‌ای می‌تواند غلط‌هایی داشته باشد، اما همچنان نمره قبولی بگیرد.

ویژه

تهران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند

پادشاه عربستان در اظهاراتی خواستار همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد. ملک سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان در اظهارات خود در جلسه شورای وزیران این کشور گفت: از ایران می‌خواهیم که به تعهدات هسته‌ای خود پایبند باشد و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کامل داشته باشد. وی تأکید کرد که از طریق رقابت‌های تسلیحاتی و دستیابی به سلاح کشتار جمعی صلح بین‌المللی محقق نخواهد شد. بر اساس این گزارش، محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی نیز در این نشست حضور داشت. پیش از این محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان گفت که ایران عضو رسمی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و به معاهدات متعهد است و تمام فعالیت‌های هسته‌ای با نظارت آژانس صورت می‌گیرد، بنابراین آژانس را رسماً از قصد و نیت، طرachi، زمان اجرا و بهره‌برداری مطلع می‌کنیم.

زهر ا نژاد بهرام در گفت و گو با «آرمان ملی»:

امتیاز خبر اول را

به رسانه‌های داخلی بدهیم

بین خودمان و نسل جدید فاصله ایجاد کرده‌ایم

اگر به نسل جدید فرصت داده بودیم مطالبات خود را در خیابان بیان نمی‌کرد

صدا و سیما به نسل جدید فرصت بدهد مطالبات خود را بیان کند

نسل جدید اجازه نمی‌دهد کسی برایش تصمیم بگیرد

نباید اخبار کشور خودمان را از رسانه کشور دیگری بشنویم



آرمان ملی – احسان انصاری: «اگر ما به تاریخ معاصر جامعه ایران نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که علما همواره یکی از گروه‌های واسط بین مردم و حکومت‌ها بوده‌اند. این وضعیت به خصوص از دوران مشروطه و پس از آن پررنگ تر بوده است. در چنین شرایطی علما نقش میانجی را بین حکومت و مردم ایفا می‌کردند. این در حالی است که در شرایط کنونی به نظر می‌رسد نقش گروه‌های میانجی کمرنگ شده است.»
جملات ذکر شده اظهارات زهرا نژاد بهرام فعال سیاسی در گفت و گو با «آرمان ملی» است. نژاد بهرام در این گفت و گو به مهم ترین چالش‌های امروز جامعه ایران می‌پردازد و نسل جدید را نسلی می‌داند که بدون پرده پوشی دیدگاه‌های خود را مطرح خواهد کرد. در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می‌خوانید.

نسل جدید دارای چه ویژگی‌هایی است که آنها را از نسل‌های گذشته متمایز می‌کند؟

نسل جدید آشنا به مسائل ارتباط جمعی است و در عین حال شجاع است. این نسل حق دانستن و زندگی را می‌شناسد و برای آن تلاش می‌کند. نسل جدید فکر می‌کند و تلاش می‌کند برای زندگی خود تصمیم بگیرد و اجازه نمی‌دهد دیگران برای او تصمیم بگیرند. زنان و مردان این نسل آینده سازان کشور هستند که قرار است در مسیر آزادی، ایستادگی و شجاعت حرکت کنند. اگر ما این نسل را بشناسیم و باور کنیم متوجه این نکته می‌شویم که این نسل قابل اتکا و احترام است. ما باید از دانش، درس آموخته‌ها و تجارب زندگی اجتماعی و دانش ارتباطی که این نسل در اختیار دارد استفاده کنیم. نسل جدید به دنبال این است که دیدگاه‌های خود را بیان کند و در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جامعه نقش داشته باشد. این نسل تعریفی از خود پوششانی و اینکه خود واقعی‌اش را در لایه‌های دیگر پنهان کند ندارد. نسل جدید خودشکفا و خود آشکارکننده‌ای است. به همین دلیل است که باید به نسل جدید احترام گذاشت و فرصت را برای تعالی آنها فراهم کرد. ما باید روی این نسل سرمایه‌گذاری کنیم و خوشحال باشیم که این نسل قرار است آینده کشور را به دست بگیرد. نسل جدید باهوش است و در عین حال هوشمند و هوشمندانه رفتار می‌کند. با این نگاه به این نسل و توانایی‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی که در اختیار دارند باید به سخنان آنها گوش داد که چه مطالباتی دارند و قرار است در چه مسیری حرکت کنند. در چنین شرایطی این سوال مطرح است که آیا حرف‌های این نسل شنیده می‌شود؟ یا حرفی برای گفتن نیست یا اینکه کسی نمی‌خواهد حرف‌های نسل جدید را بشنود.

آیا بستری برای شنیدن صدای نسل جدید فراهم شده است؟

نسل جدید تمایل دارد حرف‌های خود را بزند و مطالباتی که دارد را عنوان کند. نسل جدید در بیان مطالبات خود صریح شده است. این در حالی است که این نسل به خوبی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و دارای ارتباطات اجتماعی قوی هستند. ما چه زمانی از نسل جدید خواستیم که مطالبات خود را بیان کنند؟ چه زمانی اجازه دادیم که مطالبات و دیدگاه‌های خود را بدون ملاحظه بیان کنند؟ ما باید باور کنیم که نسل جدید فرزندان این کشور هستند و در همین آب و خاک رشد کرده‌اند. مطالباتی که امروز نسل جدید دارد مطالبات واقعی خودش است و به همین دلیل باید به این مطالبات گوش داد و به آنها احترام گذاشت. آیا ما در سال‌های اخیر مکانی را برای نسل جدید در نظر گرفته‌ایم که دیدگاه‌های خود را به صورت صریح بیان کنند؟ واقعیت این است که ما فرصت بیان مطالبات را به نسل جدید نداده‌ایم. اگر ما به نسل جدید اجازه می‌دادیم تحت انتظام نیروی انتظامی در یک فضای آزاد دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و راه‌حل‌های خود را برای مشکلات

کنونی کشور مطرح کنند شاید کار به اینجا نمی‌رسید و راحت‌تر با هم گفت و گو می‌کردیم. به دلیل اینکه ما شرایط بیان مطالبات نسل جدید را فراهم نکردیم خیابان‌ها به مکانی برای بیان مطالبات این نسل تبدیل شده و نسل جدید تلاش می‌کند مطالبات خود را در خیابان بیان کند. آیا یکی از شبکه‌های تلویزیون مطالبات نسل جدید را بیان کرده و یا اینکه فرصت مناظره درباره دغدغه‌های نسل جدید به آنها داده شده است؟ فارغ از اینکه دیدگاه‌های نسل جدید را قبول داشته باشیم یا نه باید در ابتدا این دغدغه‌ها را شنید. به نظر می‌رسد ما بین خود و این نسل فاصله ایجاد کرده‌ایم. به همین دلیل نیز وقتی که ما حرف می‌زنیم آنها گوش‌های خود را می‌گیرند. به همین دلیل

من معتقدم ما در این زمینه با چالش‌های جدی مواجه هستیم و باید برای آنها راه حل پیدا کنیم.

چرا بین نسل جدید و گذشته فاصله ایجاد شده است؟ چه گروه‌هایی می‌توانند این فاصله را کاهش دهند یا از بین ببرند؟

اگر ما به تاریخ معاصر جامعه ایران نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که علما و اندیشمندان همواره یکی از گروه‌های واسط بین مردم و حکومت بوده‌اند. این وضعیت به خصوص از دوران مشروطه و پس از آن پررنگ تر بوده است. در چنین شرایطی این طیف نقش میانجی را ایفا می‌کردند. این در حالی است که در شرایط کنونی به نظر می‌رسد نقش گروه‌های میانجی در ایران کمرنگ شده است. در عصر مدرن و در کشورهای توسعه یافته نقش گروه‌های میانجی بین مردم و حکومت را احزاب و تشکل‌های سیاسی برعهده می‌گیرند. در چنین شرایطی احزاب سیاسی دیدگاه‌های مردم را به حکومت اعلام می‌کنند و تلاش می‌کنند بین مردم و حکومت نوعی مصالحه ایجاد کنند. در برخی کشورها نیز گروه‌های غیردولتی و سندیکاها این رسالت را برعهده دارند و دغدغه‌های مردم را به حکومت‌ها انتقال می‌دهند. موضوع مهم در این زمینه این است که گروه‌های میانجی دولت را وادار به شنیدن مطالبات بخش‌هایی از جامعه می‌کنند. این در حالی است که امروز مشخص نیست کدام گروه قرار است حرف‌های مردم را به حاکمیت انتقال بدهد و از سوی دیگر حرف‌های حاکمیت را نیز به مردم برساند تا یک تفاهم عمومی در جامعه شکل بگیرد. در این زمینه رسانه تلاش می‌کند نقش این گروه‌های میانجی را برعهده بگیرد که رسانه‌ها

نیز با محدودیت‌هایی مواجه هستند.

کم شدن و فقدان نهادهای واسط چه پیامدهایی داشته است؟

کم شدن نهادهای واسط موجب این شده که طرفین هر کدام حرف خود را بزنند و روی مواضع خود پافشاری کنند. در چنین شرایطی طرفی که قدرت را در اختیار دارد از ابزارهایی استفاده می‌کند که با رویکرد گفت و گو و تفاهم همسان نیست. از سوی دیگر طرف مقابل برای بیان مطالبات خود خیابان را انتخاب می‌کند و تلاش می‌کند دغدغه‌های خود را به این صورت به گوش حاکمیت برساند. حاکمیت باید شرایطی را فراهم کند که احزاب و تشکل‌های سیاسی نقش گروه‌های واسط را ایجاد کنند و تلاش کنند بین حاکمیت و معترضان مفاهمه ایجاد کنند. نکته دیگر اینکه نسل جدید به همان صورت که به دنبال بیان مطالبات خود است به همان صورت نیز راه حل دارد و برای چالش‌های پیش‌رو راه حل ارائه می‌کند. در نتیجه حاکمیت نیز باید راه حل‌های نسل جدید را بشنود و آنها را در دستور کار خود قرار بدهد. با تهدید و تنبیه نمی‌توان مشکلات نسل جدید را حل کرد. آیا پدر و مادر در محیط خانواده می‌توانند با تهدید و تنبیه فرزندان خود را تربیت کنند و یا اینکه باید رویکردی تشویقی در دستور کار قرار داشته باشد و در مواقع لزوم از رویکرد تنبیهی استفاده کرد. اتفاقی که امروز در خانواده‌ها رخ می‌دهد این است که والدین با رویکرد تفاهم و درک مشترک با فرزندان خود خوب است که در جامعه رخ داده است. نکته دیگری که در مدیریت بحران اخیر در کشور وجود داشت رویکرد متناقضی بود که در پیش گرفته شده بود.

گفته به زمینه‌هایی تناقض وجود داشت؟

ما نیاز به نهادهای واسط داریم که به ما کمک کند. اگر این فرصت به احزاب و تشکل‌های سیاسی داده نمی‌شود این فرصت به رسانه‌های داخلی داده شود که امتیاز خبر اول در اختیار آنها قرار داشته باشد و نه رسانه‌های خارجی. رسانه‌های داخلی باید اخبار کشور را در اختیار مردم قرار بدهند و نه اینکه اخبار کشور خودمان را از رسانه کشور دیگری بشنویم. در شرایط کنونی مرجعیت نهادهای واسط و مرجعیت خبری کشور با چالش مواجه شده است. همه جوامع با چالش‌های مختلفی مواجه هستند و تنها ایران نیست که با چنین وضعیتی مواجه است. همه کشورها نیز برای چالش‌های خود راهکار ارائه کرده‌اند. چرا ما فکر می‌کنیم اولین کشوری هستیم که با چالش مواجه شده‌ایم و چرا ما برای چالش‌های خود راهکار تعریف نمی‌کنیم؟ در گذشته علما نقش نهادهای واسط را ایفا می‌کردند و در دولت مدرن نیز این رسالت برعهده احزاب و گروه‌های سیاسی قرار داشت.

فضا فرق کرده و از زمان انقلاب چهل سال گذشته و تکنولوژی امروز با چهل سال پیش تغییر کرده است به این حرف‌ها توجه نمی‌کنند. میرلوحی در پاسخ به این سوال که رسالت صدا و سیما در این اتفاقات چیست و چه راهکاری برای ایجاد رویکرد متفاوت در این چرخه پیشنهاد می‌دهید، گفت: در هیچ جای دنیا چنین انحصاری برای رسانه نیست. در شورای پنجم تهران اصلاح طلب‌ها یک تریبون نداشتند. این برخورد با شوراها، NGOها درست نیست. به طور مثال همان اتفاقی که اخیرا در شبکه چهار افتاد باید گسترش پیدا کند و پذیرفتن تغییرات را شروع کنند. کشور متکثر است، افراد متفاوت داریم، موافق و مخالف داریم.

نگره

دیوارنگاره میدان ولیعصر مجوز شهرداری دارد؟

دیوارنگاره‌پر حاشیه

۷۰ تا ۱۸۰ میلیون تومان هزینه هر بار تعویض

هیچ کس نمی‌داند اولین بار چه کسی پیشنهاد داد که در میدانی میان طولانی‌ترین خیابان خاورمیانه، جایی که تهران سهم طبقه متوسط می‌شود، یک تابلوی عظیم تبلیغاتی با ابعاد ۱۸۵۰ * ۴۷۵۰ سانتی‌متر نصب شود که بنرهایش در مناسبت‌های مختلف بارها و بارها به محلی میان چالش موافقان و مخالفان تبدیل شود. چه آن روزی که بنری به مناسبت جام‌جهانی و هوادارانش بدون تصویری از زنان منتشر شد، چه بنری در پنج‌شنبه گذشته با عنوان زنان سرزمین من با تصاویر برخی از زنان که به انتشار عکس‌شان اعتراض داشتند، بنری که عمرش به یک شبانه‌روز قد نداد. این تابلوی عظیم که گویا بزرگ‌ترین تابلوی تبلیغاتی ایران و حتی منطقه محسوب می‌شود، به دیوارنگاره میدان ولی عصر شهرت دارد و بهمن ماه ده سال پیش، یعنی سال ۱۳۹۱ ساخته شده است. متولی اصلی این دیوارنگاره سازمان هنری رسانه‌ای اوج است، در توضیح مختصری که درباره این تابلوی تبلیغاتی روی سایت این سازمان قرار گرفته، نوشته شده است: «...از دیگر اهمیت‌های دیوارنگاره میدان ولیعصر می‌توان به روز بودن، پیام داشتن و گرافیک خوب این دیوارنگاره اشاره کرد که این نکات باعث ایجاد بحث و گفت‌وگو میان مردم و کارشناسان شده و دقیقاً به همین علت است که آنها دیوارنگاره میدان ولیعصر را یک رسانه مؤثر می‌دانند.»
محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر پیشین تهران می‌گوید، این فضا از سال ۹۱ با درخواست سازمان هنری رسانه‌ای اوج، در زمان شهرداری محمدباقر قالیباف به این سازمان واگذار شده است. به گفته حق‌شناس در سال ۹۱ این دیوارنگاره مصوبه و مجوزی از سوی شورای شهر یا شهرداری تهران نداشت است اما: «اینکه بعدها سازمان اوج برای این دیوارنگاره دنبال مجوز بوده یا خیر و اینکه مجوزی صادر شده، اطلاع دقیقی ندارم.»

کدام محتوا، کدام تایید؟

حاشیه‌هایی که پنج‌شنبه گذشته با نصب تصاویری از فروغ فرخزاد، مه‌لقا ملح، توران میرهادی، سیمین دانشور، پروین اعتصامی، ایران درودی، فاطمه معتمدآریا، مرضیه برومند، نفیسه مرشدزاده، مریم میرزاخانی ... و به وجود آمد، این سوال را در ذهن‌ها پررنگ کرد که چه کسی درباره محتوای منتشر شده در این دیوارنگاره تصمیم می‌گیرد و مجوز و تاییدیه آن از کجا می‌آید؟ براساس قوانین شهری محتوای همه تابلوهای تجاری و فرهنگی پایتخت در کمیته تبلیغات فرهنگی سازمان زیباسازی شهر تهران باید تایید و سپس اجازه اکران پیدا کند، اما ظاهراً این قانون، شامل حال این دیوارنگاره نیست. دیوارنگاره «با هم قهرمانیم؛ یک ملت، یک ضربان» در خرداد ۱۳۹۷ که ایران به جام‌جهانی فوتبال راه یافته بود، به دلیل اینکه همه حاضران در تصویر منتشر شده مردان بودند، مورد انتقادات شدید قرار گرفت و جایش را با تصویری دیگر که فقط یک زن در آن حضور داشت، عوض کرد. سوال دومی که دست‌کم در شبکه‌های اجتماعی بعد از دیوارنگاره زنان سرزمین من، بارها تکرار شد به هزینه نصب تصاویر منتشر شده برمی‌گشت. هرچند که عضو پیشین شورای شهر تهران اطلاع دقیقی از هزینه هر بار چاپ و اکران این دیوارنگاره ندارد اما در سال ۱۳۹۷، محمد دوقی، مدیر روابط عمومی وقت سازمان اوج در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که هزینه طراحی، چاپ و نصب هر دیوارنگاره حدود ۴ تا ۵ میلیون تومان است. اما با گذشت ۴ سال از آن گفت‌وگو همه چیز تغییر کرده است، صاحب یک شرکت تبلیغاتی می‌گوید: «بسته به جنس نوع جوهر به کار رفته، برای هر متر از این نوع تبلیغات حدود ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان پرداخت می‌شود که برای این سازه با حدود هزار متر مربع حدود ۵۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان هزینه پیر و چاپ خواهد بود.» او ادامه می‌دهد: «حدود ۲۰ الی ۳۰ میلیون تومان هم هزینه نصب این سازه را باید محاسبه کنید که در کل بین ۷۰ تا ۱۸۰ میلیون تومان هر بار تعویض تبلیغات این دیواره آب می‌خورد.» با این تفاسیر چه با مجوز، چه بدون مجوز، طراحان این دیوارنگاره اگر حق شهروندان را در نظر بگیرند، حتی اگر از زنان سرزمین‌مان اجازه‌ای برای انتشار عکس‌های‌شان نمی‌گیرند، بهتر است قبل از همه این هزینه‌ها محتوای اینشتنر بسنجند.

